

# پیامد سیاسی خصوصی‌سازی

محمد مالجو



با عنایت به ساخت سیاسی در ایران که قواعد ایدئولوژیک مشخصی را برای ورود به جرگه‌ی نخبگان از جمله نخبگان اقتصادی مقرر می‌دارد، هر نوع اجرای سیاست خصوصی‌سازی که درصدد انتقال دارایی‌های دولتی به بخش‌های غیردولتی است ضرورتاً به تقویت فزاینده‌ی هسته‌ی اصلی قدرت می‌انجامد.

تارنمای الف در ابتدای دهه‌ی نود شمسی و در آستانه‌ی ششمین سال از دوره‌ی حاکمیت دولت احمدی‌نژاد نوشت: «فصل جدیدی از تقسیمات اقتصادی از حیث مالکیت و مدیریت در حال شکل‌گیری است... با افزایش نقش نیمه‌دولتی و شبه‌دولتی‌ها که ظاهر خصوصی دارند... وزن و تناسب قدرت در کشور به هم میریزد... نوعی قدرت اقتصادی در حال شکل‌گیری است که به‌سادگی در قدرت سیاسی و نظامات اجتماعی دست‌اندازی می‌کند... با این مدل کم‌کم نحوه‌ی توزیع قدرت سیاسی نیز تغییر می‌کند. منشأ قدرت از ناحیه‌ای خواهد شد که نه نظارت‌پذیر است و نه دموکراتیک.» عنوان مطلب کاملاً محتوای نوشته را بازتاب می‌داد: «دیکتاتوری شبه‌دولتی‌ها چگونه شکل می‌گیرد؟»

تحلیل تارنمای الف با دست‌کم یک دهه عقب‌افتادگی از تکوین واقعیتی که درصدد تبیین شکل‌گیری‌اش بود به پیامد سیاسی خصوصی‌سازی گسترده‌ای اشاره داشت که از ابتدای دهه‌ی هفتاد شمسی با دولت به‌اصطلاح -سازندگی آغاز شده و طی اولین نیمه‌ی دهه‌ی هشتاد شمسی با دولت به‌اصطلاح اصلاحات استمرار یافته و طی دومین نیمه‌ی همین دهه با دولت های نهم و دهم به شتابی فزاینده دست یافته بود. در همان سال‌هایی که اقتصاددانان بازارگرا و جناح‌های دموکراسی‌خواه اصلاح‌طلب از سیاست خصوصی‌سازی با حرارت دفاع می‌کردند، صداهای کم‌شمار و بی‌طنینی بودند که در فضایی زیر سیطره‌ی تب بازار آزاد به‌روشنی وضعیت سیاسی امروز را پیش‌بینی می‌کردند: نتیجه‌ی سیاست خصوصی‌سازی در ساختار سیاسی ایران عبارت خواهد بود از شکل‌گیری انحصارهایی در بطن هسته‌ی سخت قدرت و از این‌رو تغییر فزاینده‌ی توازن قوای سیاسی به زیان موج دموکراسی‌خواهی.

صدایی که شنیده نشد

در ۲۷ فروردین سال ۱۳۸۱، یک دهه پس از آغاز سیاست خصوصی‌سازی و یک دهه پیش از شتاب‌گیری‌اش، در روزنامه‌ی اصلاح‌طلب بنیان‌چنین مدعی شدم: «نظر به مناسبات خاص میان حوزه‌ی قدرت و حوزه‌ی ثروت در ایران دهه‌های اخیر، چنین می‌نماید که خصوصی‌سازی احتمالاً از جمله به تقویت فزاینده‌تر قدرت مخالفان حقوق مدنی و سیاسی شهروندان نیز بینجامد و از این‌رو بسا که مطالبه‌ی آزادی بیان و اندیشه و حق -مشارکت شهروندان در اعمال قدرت سیاسی را غیرمستقیم هر چه دیرباب‌تر سازد.»

این نتیجه را از چند مقدمه استنتاج کرده بودم: «یکم،... خصوصی‌سازی پدیده‌ای عمیقاً سیاسی است، پدیده‌ای سازمان‌دهی‌شده از بالا که هدفش عبارت است از بازآرایی نهادهای مختلف جامعه به قصد مقدم‌شمردن منافع و مصالح برخی گروه‌ها بر منافع و مصالح گروه‌های دیگر. دوم،... خصوصی‌سازی در هر جامعه‌ای که پیاده شود متناسب با ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی آن جامعه به شکل خاصی می‌انجامد که هم به قدرت و برنامه‌های سیاسی و ایده‌های پیاده‌کنندگان بستگی دارد و هم به تاریخ و فرهنگ و سنت و شکل‌بندی‌های سیاسی و ایدئولوژیک جامعه‌ی مربوطه... سوم، قاعده‌ی جابه‌جایی نخبگان در جامعه از اهم این عوامل است که ... جزء لاینفک فرهنگ سیاسی نظام سیاسی مستقر در ایران بوده است... بر طبق قاعده‌ی ایدئولوژیک جابه‌جایی نخبگان، «آن کسانی در زمره‌ی نخبگان جامعه قرار خواهند گرفت و از امکاناتی برای ورود به جرگه‌ی نخبگان جامعه برخوردار خواهند شد که همسو و همراه با ایدئولوژی انقلابی بوده و در دفاع از آن فعالیت کنند»... این قاعده البته بیشترین ضمانت اجرا را در عرصه‌ی سیاسی داشته است... مظهر این قاعده، گیرم کم‌رنگ‌تر، بر سایر پهنه‌های زندگی ایرانی نیز خورده است، محض نمونه بر بدنه‌ی اداری و بدنه‌ی دانشگاهی از صدر تا ذیل... چهارم، قاعده‌ی جابه‌جایی نخبگان... در عرصه‌ی زندگی اقتصادی نیز مصداق دارد... پنجم، متعاقب تحولات عرصه‌ی سیاسی از دوم خرداد بدین سو، قدرت سیاسی بخشی از نیروهای سیاسی در بدنه‌ی دموکراتیک نظام سیاسی رو به افول گذارده است. این بخش از نیروهای سیاسی اتفاقاً همان نیروهایی هستند که برای بهره‌گیری تمام و کمال از قاعده‌ی ایدئولوژیک جابه‌جایی نخبگان در عرصه‌ی اقتصادی بیشترین استعداد را دارند و از این‌رو می‌توانند افول قدرت سیاسی از کفرفته را... از رهگذر سیاست خصوصی‌سازی با تحصیل قدرت اقتصادی بیش از پیش بازسازی کنند و سوای امکانات اقتصادی چشمگیری -که به مدد بخش‌های غیرانتخابی بدنه‌ی سیاسی در اختیار دارند عرصه‌های جدیدتری را نیز در فعالیت‌های اقتصادی از آن خود کنند، فارغ

از حداقل نظارت‌های بالفعل یا بالقوه‌ای که به‌رحال در بخش دولتی تصورپذیر است. ششم، ... فرایند خصوصی‌سازی در عرصه اقتصاد به‌واقع میدان مساعدی از جمله برای تقویت فزاینده‌ی قدرت اقتصادی جریان‌های اصلاحات است.» تب تند طرفداران بازار آزاد مطلقاً گوشه‌ای برای شنیدن صداهای مخالف‌خوان باقی نگذاشته بود.

### تقویت هسته‌ی سخت قدرت در نظام سیاسی مستقر

گزارش مفصلی تحت عنوان «بررسی مشارکت بخش‌های نظام اقتصادی در فرایند خصوصی‌سازی در ایران طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰: با تأکید بر جایگاه بخش خصوصی واقعی» که به سفارش اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و زیر نظر عباس آخوندی در سال ۱۳۹۱ منتشر شد مهم‌ترین مؤید تجربی برای درستی همان صداهای بی‌طینتی است که یک دهه پیش درباره‌ی پیامد سیاسی خصوصی‌سازی هشدار داده بودند. بر طبق این گزارش، مجموع ارزش واگذاری سهام دولتی طی حداقل سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ بالغ بر ۸۳۲۹ میلیارد ریال بوده است که حدود ۷۸ درصد از این مبلغ از مجرای بورس و حدود ۹ درصد از طریق مزایده و حدود ۱۳ درصد نیز از طریق مذاکره و واگذار شده بود. چنین فرایندی در دهه‌ی هشتماد -رو به اوج گذاشت. مجموع ارزش واگذاری سهام دولتی طی حداقل سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ بالغ بر ۹۹۱۲۳۹ میلیارد ریال بوده است که حدود ۳۴ درصد از این مبلغ از مجرای بورس و فرابورس و مزایده و مذاکره و حدود ۳۴ درصد از طریق سهام عدالت و حدود ۳۲ درصد نیز از طریق رد دیون و واگذار شده بود. ابعاد خصوصی‌سازی در دهه‌ی هشتماد حدوداً ۱۱۹ برابر از دهه‌ی هفتماد بزرگ‌تر بوده است. بررسی‌های تفصیلی گزارش اتاق بازرگانی نشان می‌دهد مهم‌ترین برنده‌ی خصوصی‌سازی‌های گسترده‌ی دهه‌ی هشتماد در حقیقت بخش عمومی غیردولتی، نهادهای نظامی و انتظامی، بنیادهای عام‌المنفعه‌ی مذهبی و فرهنگی و علمی، و نهادهای حکومتی و انقلابی بوده‌اند. از باب نمونه، حدود ۴۷ درصد از واگذاری‌هایی که به شیوه‌ی رد دیون در دهه‌ی هشتماد به عمل آمده به این مجموعه‌ها تعلق یافته است. بخش قریب به اتفاق این دسته از موجودیت‌های اقتصادی کاملاً به کلیت هسته‌ی سخت قدرت در نظام جمهوری اسلامی ایران تعلق دارند. چند نمونه به دست می‌دهم.

از بخش عمومی غیردولتی آغاز می‌کنم. بر اساس آخرین مصوبات قانونی تا پایان سال ۱۳۸۷ برخی از مهم‌ترین نهادهای بخش عمومی غیردولتی عبارت بوده‌اند از بنیاد مستضعفان و جانبازان، کمیته‌ی امداد امام خمینی، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، بنیاد پانزده خرداد، سازمان تبلیغات اسلامی، مؤسسه‌ی جهاد نصر، مؤسسه‌ی

جهاد استقلال، مؤسسه‌ی جهاد دانشگاهی، مؤسسه‌ی جهاد توسعه، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، و کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی.

نهادهای نظامی و انتظامی مشتمل‌اند بر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی مقاومت بسیج، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران با انبوهی از مؤسسات مالی و اعتباری و بانکها و شرکتهای سرمایه‌گذاری و شرکت‌های پیمانکاری و سایر شرکتهای تابعه‌شان نظیر قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا، بنیاد تعاون سپاه، بنیاد تعاون ناجا، مؤسسه‌ی مالی و اعتباری مهر، شرکت سرمایه‌گذاری توسعه‌ی اعتماد، شرکت شهریار -مهرستان، شرکت ناجی غرب، شرکت سرمایه‌گذاری مهرگان، شرکت سرمایه‌گذاری مهر اقتصاد ایران، مؤسسه‌ی پسانداز و قرض‌الحسنه‌ی قوامین، بانک انصار و غیره.

شاخص‌ترین نهادهای عام‌المنفعه نیز عبارت هستند از آستان قدس رضوی، آستان حضرت معصومه، بنیاد فرهنگی مصلی‌نژاد، بنیاد بارانداز، بنیاد علوی، مؤسسه‌ی خیریه‌ی علی و حسین همدانیان، مؤسسه‌ی خیریه‌ی بیت‌الرضا، مؤسسه‌ی درمانی و بهداشتی موسوی، بنیاد خیریه‌ی ۲۲ بهمن، بنیاد رفاه مسلمین، مؤسسه‌ی جامعه‌ی الامام صادق، بنیاد دینی و فرهنگی صدوق بزرگ، و غیره.

### استمرار سیاست خصوصی‌سازی

تحلیل‌های متنوع و فراوانی درباره‌ی بن‌بست دموکراسی نوپای دوم خرداد و شکست سیاسی جنبش سبز طی سال‌های اخیر عرضه شده است اما هنوز پژوهشی درباره‌ی سلسله‌شکست‌های سیاسی نیروهای اصلاح‌طلب در پرتو پیامدهای سیاسی اجرای سیاست خصوصی‌سازی و تغییر حاصله در توازن قوا میان نیروهای سیاسی حاضر در صحنه‌ی سیاست رسمی ایران به عمل نیامده است.

این عدم توازن به زیان نیروهای اصلاح‌طلب کماکان برقرار است. از قضا همین عدم توازن است که آخرین پرده از جریان خصوصی‌سازی در سال ۱۳۹۲ را کماکان به نفع خصوصی‌سازی در راستای منافع هسته‌ی سخت قدرت شکل داده است. دولت دهم در آخرین سال حاکمیت خود دوباره درآمدهای عظیم حاصل از واگذاری دارایی‌های دولتی را در بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ گنجانده بود. مجلس شورای اسلامی نیز بر فروش ۳۷ هزار میلیارد تومان از سهام شرکتهای دولتی در بودجه‌ی ۱۳۹۲ مهر تأیید زده بود. نهایتاً شورای نگهبان نیز مصوبه‌ی دولت و مجلس برای خصوصی‌سازی‌های گسترده را تأیید کرده بود. دولت یازدهم در اوایل آبان ۱۳۹۲ به این

نتیجه رسید که امکان فروش ۳۷ هزار میلیارد تومان از سهام شرکت‌های دولتی با ماهیت خصوصی‌سازی «واقعی» وجود ندارد و از این رو درصد حذف ماده‌ی قانونی مرتبط با این فروش در اصلاحیه‌ی بودجه‌ی ۱۳۹۲ برآمد. اما مجلس قانون‌گذار در هشتم آبان با خواسته‌ی دولت مخالفت کرد و نه فقط حذف این تبصره از قانون بودجه را نپذیرفت بلکه حتی به پیشنهاد دولت مبنی بر کاهش فروش سهام به میزان پنج هزار میلیارد تومان نیز تن نداد. نهایتاً فروش ۲۵ هزار میلیارد تومان سهام شرکت‌های دولتی به تأیید نهایی مجلس رسید.

واگذاری‌های گسترده‌ی دارایی‌های دولتی به بخش عمومی غیردولتی و نهادهای نظامی و انتظامی و بنیادهای عام‌المنفعه‌ی مذهبی و فرهنگی و علمی و نهادهای حکومتی و انقلابی در دولت یازدهم نیز کماکان ادامه دارد. تغییر توازن قوا میان نیروهای سیاسی حاضر در صحنه نیز کماکان به نفع هسته‌ی سخت قدرت با شتابی بیش از پیش ادامه دارد. استدلالی که متجاوز از یک دهه پیش در نقد سیاست خصوصی‌سازی ارائه شده بود در وضعیت کنونی با قوت به مراتب بیشتری معتبر است: با عنایت به ساخت سیاسی در ایران که قواعد ایدئولوژیک مشخصی را برای ورود به جرگه‌ی نخبگان از جمله نخبگان اقتصادی مقرر می‌دارد، هر نوع اجرای سیاست خصوصی‌سازی که درصد انتقال دارایی‌های دولتی به بخش‌های غیردولتی است ضرورتاً به تقویت فزاینده‌ی هسته‌ی اصلی قدرت می‌انجامد.